

## سارقان مأمور نما به کاهدان زدند



شناسه خبر : ۱۳۶۴۷۵ چهارشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۲ - ۰۸:۰۳

مرد جوان که با همدستی ۶ عضو دیگر باند به یک کارگاه دستبرد زده بود بعد از دستگیری مدعی شد دو سردهسته باند، اموال مسروقه را گرفته و متواری شده‌اند.

به گزارش موج خبر، ساعت ۱۲ شب دو خودرو مقابل کارگاهی در شرق تهران توقف کردند و ۷ مرد در حالی که لباس‌های پلیس پوشیده بودند و یک سگ به همراه کلت کمری، باتوم و وسایل نظامی داشتند، از دو خودرو پیاده شدند.

آنها زنگ کارگاه را به صدا درآوردند و زمانی که یکی از کارگران در را به رویشان باز کرد، یکی از آنها، خود را مأمور مبارزه با مواد مخدر معرفی کرد و برگه‌ای از جیبش بیرون آورد و گفت: به ما گزارش شده که در اینجا مواد مخدر و قرص‌های روانگردان نگهداری می‌کنید. طبق این برگه قضایی، اجازه داریم کارگاه را بررسی کنیم، بعد بدون آنکه به کارگر جوان اجازه صحبت بدهد، به همراه ۶ مرد دیگر و سگی که به نظر می‌رسید سگ موادیاب باشد وارد کارگاه شدند.

کارگران دیگر که با ورود مردان ناشناس از خواب بیدار شده بودند اظهار داشتند از وجود مواد مخدر در کارگاه بی‌خبر هستند با این حال مردان مأمور نما دست و پای آنها را بسته و به جست و جو در کارگاه پرداختند. یک ساعت بعد

آنها بدون آنکه موادی را کشف کرده باشند، از کارگاه خارج شدند.

وقتی کارگران به سختی توانستند دست و پای خود را باز کنند با ورود به اتاق هایشان دریافتند مأموران قلابی سارق بوده اند و اموال باارزش، پول ها و حتی گوشی های تلفن آنها را نیز به سرقت برده بودند.

بدین ترتیب گزارش سرقت شبانه به پلیس اعلام شد و تیمی از مأموران راهی محل شدند. بررسی ها نشان می داد که لباس ها و تجهیزات نظامی و برکه ای که مأموران قلابی به مالباختگان نشان دادند برای جلب اعتماد آنها و تقلبی بوده است.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان به بازبینی دوربین های مداربسته کارگاه و اطراف آن پرداختند. در بازبینی دوربین ها، معلوم شد که شماره پلاک خودروها مخدوش شده است اما کارآگاهان با کنار هم قرار دادن اعداد به دست آمده از پلاک خودرو، درنهایت موفق شدند هویت یکی از راننده ها را به دست آورند.

#### محموله های خیالی

بدین ترتیب راننده خودرو به نام شهاب بازداشت شد و گفت: با خودروام مسافرکشی می کنم. مدتی قبل مردی به نام محسن را سوار خودروام کردم. پس از طی مسافتی او سر صحبت را باز کرد و از مشکلات مالی حرف زدیم. درنهایت هم شماره تماسش را به من داد. چند روز بعد با او تماس گرفتم و کم کم متوجه شدم او و یکی از دوستانش به نام امیر، سر دسته باند سرقت هستند.

او ادامه داد: محسن مرا با امیر و ۴ عضو دیگر باند آشنا کرد. مغز متفکر و همه کاره این باند محسن و امیر بودند و دستورات را هم آنها صادر می کردند. بعد از مدتی محسن از نقشه سرقت یک محموله بزرگ مواد مخدر و قرص های روانگردان خبر داد. او گفت که با پسر جوانی به نام وحید آشنا شده که کارگر یک کارگاه است و به او گفته که محموله یک و نیم کیلویی حشیش و ۵۰۰ قرص روانگردان در کارگاه جاساز کرده اند.

محسن تصمیم داشت وارد کارگاه شود و محموله گرانقیمت را به سرقت ببرد. می گفت چون موضوع سرقت مواد مخدر است، مالباخته هرگز به پلیس شکایت نمی کند و ما بدون هیچ مشکلی می توانیم مواد سرقتی را در بازار به فروش برسانیم. نقشه سرقت را هم محسن و امیر کشیدند، لباس های نظامی و وسایل و تجهیزات تهیه کردند و حتی با خودشان

سگ آوردند که به نظر برسد ما مأموران مبارزه با مواد مخدر هستیم و سگ را برای یافتن مواد با خودمان برده‌ایم.

مرد جوان گفت: من، امیر و محسن و ۴ عضو دیگر باند، آن شب لباس‌های نظامی پوشیدیم و به کارگاه رفتیم اما هیچ خبری از مواد مخدر و قرص‌های روانگردان نبود. فقط تلفن‌های همراه، پول‌ها و وسایل باارزشی را که داشتند سرقت کردیم و از کارگاه بیرون آمدیم. محسن عصبانی بود که موادی کشف نکرده‌ایم و می‌گفت وحید به او رو دست زده است. آنطور که محسن می‌گفت وحید می‌خواست عضو گروه آنها شود اما محسن او را در حد عضویت در گروه نمی‌دانسته است.

به همین دلیل به دروغ گفته در کار مواد مخدر است تا خودی نشان دهد اما تصور نمی‌کرده که این اطلاعات باعث شود نقشه سرقت از کارگاه را بکشند. آن شب هر چه سرقت کرده بودیم را به محسن و امیر دادیم و این آخرین باری بود که آنها را دیدیم و هیچ پولی از این سرقت به ما نرسید. آنها به ما رو دست زدند و از ما سوءاستفاده کردند.

با اعترافات مرد جوان، دو همدست دیگر او نیز بازداشت شدند و تحقیقات برای دستگیری چهار عضو دیگر باند و رازگشایی از انگیزه واقعی آنها برای این سرقت به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/